موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 35 از مراجعه 48

سخن درباره حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بود که در آن فرمودند: « يا علي إن فيك من عيسى مثلا أبغضته اليهود حتى بهتوا أمه، و أحبّه النصارى حتى أنزلوه بالمنزلة التي ليس بها ... الحديث»[[1]](#footnote-1): ای علی درباره تو شباهتی با عیسی (ع) است و آن اینکه یهود به وی بغض ورزیدند تا جایی که به مادر او بهتان زدند. و نصاری وی را دوست داشتند به حدی که در حد او شانی قائل شدند که در وی نبود.

در مورد سند این روایت بحث شد و گفته شد از نظر مدلول این حدیث بر افضلیت امیرالمومنین (ع) بر سایر صحابه دلالت دارد و چون افضلیت شرط امامت است، این حدیث بر امامت آن حضرت دلالت می کند.

مطلب دیگر بررسی مصداق شناسی حدیث بود که روشن شود چه کسانی نسبت به امیرالمومنین (ع) بغض داشته و چه کسانی محبت افراطی داشتند؟ ابومریم اعظمی در این باره گفت: بغض ورزان نسبت به آن حضرت خوارج بوده اند و کسانی که راه محبت افراطی را در پیش گرفته اند روافض هستند و کسانی که راه اعتدال را در این باره پیموده اند اهل سنت هستند.

در پاسخ گفته شده در مورد اینکه خوارج نسبت به امیرالمومنین (ع) بغض داشتند درست است، اما در مورد افراط در محبت سخن وی نادرست است زیرا برای اینکه مصادیق آن پیدا شود باید ببینیم، چگونه درباره عیسی (ع) افراط صورت گرفته است. طبق متن قرآن کریم، برخی پیروان آن حضرت، نسبت الوهیت به او دادند و قرآن اینان را مذمت می کند. بنابراین در میان امت اسلامی هر کسی در مورد امیرالمومنین (ع) به الوهیت و ربوبیت او قائل شده باشد، غالی خواهد بود. این غالیان ارتباطی با شیعه ندارند و اتفاقا مورد مخالفت شدید ائمه اهل بیت (ع) و قرار گرفته اند.[[2]](#footnote-2) عالمان شیعه نیز از گذشته تاکنون در رد غلو یک صدا هستند.

سخن ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید به شرح این سخن امیرالمومنین (ع) در خطبه 127 می پردازد. آن حضرت می فرماید: «سَيَهْلِكُ فِيَّ صِنْفَانِ مُحِبٌّ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مُبْغِضٌ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِيَّ حَالًا النَّمَطُ الْأَوْسَطُ فَالْزَمُوهُ »: دو گروه درباره من هلاک می شوند: یکی محب افراط کنند که حب او به غیر حق او را سوق می دهد و مبغض افراط کننده که بغضش او را به باطل سوق می دهد و بهترین انسان ها معتدلین هستند، پس راه آنان را برگزینید.

ابن ابی الحدید می گوید: کسانی نسبت به امیرالمومنین (ع) محبت افراطی داشتند که معتقد بودند خداوند در او حلول کرده است همانند اعتقادی که مسیحیان در مورد عیسی (ع) داشتند. از آن طرف کسانی نسبت به ایشان بغض افراطی داشتند که با ایشان جنگیدند یا ایشان را لعن کردند یا تبری داشتن و یا به ایشان بغض ورزیدند. کسی که تنها بغض داشتند اما جنگ و لعن نکردند خفیف ترین مرتبه آن است اما این بغض داشتن مهلک فرد است. در روایت صحیح آمده است:«انه لایحبه الا مومن و لایبغضه الا منافق» و همین یک روایت برای بیان مطلب کفایت می کند.

بعد ایشان درباره غلات می گوید: کسانی که درباره آن حضرت غلو کردند هلاک شدند همان طور که غلات نسبت به حضرت عیسی (ع) هلاک شدند. ابن ابی الحدید سپس همین حدیث مورد بحث ما را بیان می کند، و می گوید: امیرالمومنین (ع) گروهی را دیدند که نسبت به ایشان غلو ورزیدند و قائل به ربوبیت و الوهیت وی شدند و می گفتند: «انت خالقنا و رازقنا». حضرت آنان را توبه داد اما اینان از قول خود برنگشتند، به همین خاطر آن نیز اینان را عقوبت کرد.

اشکال دیگر

ابومریم اعظمی بعد از اینکه بیان می کند این حدیث شیعیان را مشمول غلو می داند می گوید: این حدیث در کتاب های حدیث شیعه ذکر نشده است «فلا نجد هذا الحدیث ابدا فی کتب الشیعه الاصول بل هو من روایه اهل السنه».[[3]](#footnote-3)

پاسخ

این سخن نادرست است اگر مراد نیامدن در کتب اربعه است، در کتب اصلی اهل سنت هم نیامده است. اگر مراد وی کتاب های اعتقادی باشد، باز درست نیست زیرا این حدیث در منابع روایی آمده است. این حدیث در کتب قدیمی شیعه آمده است از جمله:

1. در نهج البلاغه در سه جا آمده است (کلمات قصار، 117 و 469).

2. عیون اخبار الرضا (ع)، شیخ صدوق از امام علی (ع) نقل می کند که فرمود: «يَهْلِكُ فِيَّ اثْنَانِ وَ لَا ذَنْبَ لِي مُحِبٌّ مُفْرِطٌ وَ مُبْغِضٌ مُفَرِّطٌ وَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِمَّنْ يَغْلُو فِينَا وَ يَرْفَعُنَا فَوْقَ حَدِّنَا كَبَرَاءَةِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ع مِنَ النَّصَارَى قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِذْ قالَ اللَّهُ يا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمِّي إِلهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالَ سُبْحانَكَ ما يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ ما لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ ما فِي نَفْسِي وَ لا أَعْلَمُ ما فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ما قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا ما أَمَرْتَنِي بِهِ».[[4]](#footnote-4)

3. شیخ طوسی (م 460) در کتاب الامالی همین روایتی که امام شرف الدین آورده از ربیع بن ناجذ از امیرالمومنین (ع) روایت کرده است.[[5]](#footnote-5)

4. ابن شهر آشوب، در المناقب این روایت را از امیرالمومنین (ع) نقل کرده که فرمود: « يَهْلِكُ فِيَّ رَجُلَانِ مُحِبٌّ مُفْرِطٌ يُقَرِّظُنِي بِمَا لَيْسَ لِي وَ مُبْغِضٌ يَحْمِلُهُ شَنَآنِي عَلَى أَنْ يَبْهَتَنِي‏».[[6]](#footnote-6)

5. فرات بن ابراهیم کوفی، صاحب تفسیر فرات این حدیث را از دو طریق در شان نزول آیه « وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ»[[7]](#footnote-7) روایت کرده است. « عَنْ [أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ‏] عَلِيِّ [بْنِ أَبِي طَالِبٍ‏] ع قَالَ جِئْتُ إِلَى النَّبِيِّ ص وَ هُوَ فِي مَلَإٍ مِنْ قُرَيْشٍ فَنَظَرَ إِلَيَّ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّمَا مَثَلُكَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَمَثَلِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ أَحَبَّهُ قَوْمٌ فَأَفْرَطُوا وَ أَبْغَضَهُ قَوْمٌ فَأَفْرَطُوا فَضَحِكَ الْمَلَأُ الَّذِينَ عِنْدَهُ وَ قَالُوا انْظُرُوا كَيْفَ يُشَبِّهُ ابْنَ عَمِّهِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ قَالَ فَنَزَلَ الْوَحْيُ وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّون‏».[[8]](#footnote-8)

بنابراین معلوم شد که ادعای ابومریم اعظمی که می گوید این روایت در منابع شیعه نیامده است کاملا نادرست است.

حدیث 36 از مراجعه 48[[9]](#footnote-9)

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «السّبّق ثلاثة: السابق الی موسی، یوشع بن نون و السابق الی عیسی، صاحب یاسین و السابق الی محمد (ص)، علی بن ابی طالب»: سبقت گیرندگان سه نفرند: سبقت گیرنده به موسی (ع)، یوشع بن نون بود و سبقت گیرنده به عیسی (ع)، صاحب یاسین (مؤمن آل یاسین) بود و سبقت گیرنده به محمد (ص)، علی بن ابی طالب بود.[[10]](#footnote-10)

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، امام شرف الدین، ص 344 [↑](#footnote-ref-1)
2. ر.ک: بحارالانوار، ج25 [↑](#footnote-ref-2)
3. الحجج الدامغات، ج1، ص 500 [↑](#footnote-ref-3)
4. عیون اخبار الرضا (ع)، ج2، ص 201 [↑](#footnote-ref-4)
5. الامالی، شیخ طوسی، ص 256، مجلس نهم [↑](#footnote-ref-5)
6. مناقب، ابن شهر آشوب، ج1، ص 264 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره زخرف، آیه 57 [↑](#footnote-ref-7)
8. تفسیر فرات، ج2، ص 403- 404 [↑](#footnote-ref-8)
9. المراجعات، امام شرف الدین، ص 344 [↑](#footnote-ref-9)
10. طبرانی و ابن مردویه آن را از ابن عباس روایت کرده اند و دیلمی آن را از عایشه روایت نموده است و این حدیث در سنن، مستفیض است. [↑](#footnote-ref-10)